

نقش فضاهای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها؛

مطالعه موردی: کشور عراق

دکتر عطاالله عبدی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

ساکار شبیرزاد - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۱

چکیده

فضاها و مکان‌ها عرصه رقابت قدرت‌ها و بازیگران سیاسی برای نفوذ و اثرگذاری است. در این راستا کشور عراق با توجه به نحوه تأسیس آن پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و چگونگی ترسیم مرزهایش، موزائیکی از اقوام و مذاهب را در هارتلند خاورمیانه به نمایش گذاشته است به طوری که این امر اکنون نه تنها مانعی در راه حفظ یکپارچگی سرزمینی و ایجاد هویت ملی شده است، بلکه زمینه نفوذ، مداخله و رقابت قدرت‌ها و گروه‌های بنیادگرا را نیز در این کشور فراهم کرده است. بنابراین هدف مقاله حاضر بررسی نقش و تأثیر فضاهای جغرافیایی (قومی - مذهبی) در رقابت قدرت‌ها می‌باشد.

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است و تعداد ۴۰ پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع گردیده و با استفاده از روش آمار استنباطی، فرضیات ارزیابی و تأیید گردید و به صورت نظری و تئوریک نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها انجام گرفته است؛ به طوری که نتیجه تحقیق بیانگر آن است که قدرت‌های تأثیرگذار در این کشور با بهره‌برداری ابزاری از مؤلفه‌های قومیت و مذهب درصدد دستیابی به منافع و اهداف سیاسی و استراتژیک خویش هستند.

واژه‌های کلیدی: فضای جغرافیایی، رقابت قدرت‌ها، ساختار قومی، ساختار مذهبی، عراق.

۱- مقدمه

متغیرهای گوناگونی در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها و میزان قدرت آن‌ها تأثیرگذار است و بدون شک فضای جغرافیایی نیز یکی از مهم‌ترین متغیرها می‌باشد که خود عوامل زیادی را در بر می‌گیرد. بدین لحاظ همه کشورها متناسب با قدرت و واقعیات ژئوپلیتیک خود، دستیابی به یک‌سری ارزش‌های جغرافیایی را به‌عنوان بخشی از گداهای ژئوپلیتیکی خویش تعریف می‌کنند و نظر به امکان در تقابل قرار گرفتن گداهای ژئوپلیتیکی کشورها با یکدیگر؛ دولت‌ها جهت کسب این ارزش‌ها در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در یک فضای رقابتی قرار خواهند گرفت.

دولت‌ها برای کسب ارزش‌های جغرافیایی در ماورای مرزهای خود از الگوهای مسالمت‌جویانه و گاه زورمندانه استفاده می‌نمایند و در این راستا از برخی مؤلفه‌های جغرافیایی همچون اقلیت‌های قومی و مذهبی به‌صورت ابزاری علیه دیگر کشورها جهت کنترل و یا تصرف مزیت‌های جغرافیایی موردنظر بهره‌برداری می‌کنند؛ که در این راستا می‌توان به کشور عراق به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش اشاره کرد.

یکی از عوامل مهمی که به‌طور گسترده در ساختار سیاسی کشورها اثر مستقیم و غیر مستقیم می‌گذارد مسئله تهدیدات است (Ezzati, 2005: 372). همچنان که در رابطه با کشور عراق ملاحظه می‌شود که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود شاهد دو تهدید درون مرزی مهم با منشأ انسانی است که در صورت فعال‌شدن می‌تواند وحدت و یکپارچگی ملی آن را به خطر بیندازد. به‌لحاظ عوامل انسانی عراق بافت بسیار نامتجانسی دارد که این بافت با شرایط نامناسب طبیعی ناسازگارتر جلوه می‌نماید. با توجه به تاریخچه شکل‌گیری کشور عراق روشن می‌شود که یک عامل انسانی به‌صورت نژاد گرد برای این کشور به‌عنوان یک منبع تهدید نقش مؤثر دارد که در مقاطع مختلف زمانی به ایفای نقش پرداخته‌اند. عامل دوم، مراکز تجمع انسانی جنوب عراق است که از لحاظ تفکر و اندیشه با قسمت‌های شمالی‌تر کشور متفاوت و با بروز انقلاب اسلامی در ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (Ibid: 374). که در این رابطه، عمده مشکلات عراق در زمینه مذهب به اختلاف بین شیعیان و سنی‌ها باز

می‌گردد (Zovghi Barani, 2011: 68). بنابراین با نگاهی اجمالی مشخص می‌شود که مهمترین خلأ ژئوپلیتیکی عراق وجود دو قومیت کُرد و عرب شیعه است که توزیع جغرافیایی آنها به نحوی است که خود به خود عراق را تجزیه نموده است، به این نحو که کُردها در مناطق کوهستانی شمال استقرار دارند و شیعیان در مناطق جلگه‌ای جنوب عراق (Ezzati, 2005: 374).

با نظر به اینکه کشور عراق اساساً بر مبنای عوامل برون‌زا و روبنایی تأسیس شده است؛ حاکمان این کشور از زمان شکل‌گیری به دلیل عدم درک واقع‌بینانه نسبت به جغرافیای انسانی (قومی - مذهبی)، نتوانسته‌اند به خلق یک اندیشه سیاسی فراگیر پردازند که در برگیرنده بافت انسانی نامتجانس این کشور باشد. در نتیجه، عدم شکل‌گیری هویت ملی عراقی و ناکامی در عملیاتی نمودن فرایند دولت - ملت‌سازی زمینه‌ساز گسترش شکاف‌های قومی - مذهبی، نفوذ کشورهای همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز سیطره گروه‌های افراط‌گرای اسلامی در این کشور شده است به طوری که اکنون با توجه به اوضاع گذشته و حال عراق می‌توان این‌گونه بیان کرد که روند تحولات عراق، متأثر از دخالت و نفوذ قدرت‌ها در ساختارهای قومی و مذهبی و بهره‌برداری‌های ابزارگونه از این متغیرها، نه تنها وضعیّت این کشور را با چالش‌های بیشتری مواجه ساخته است بلکه این واحد سیاسی - جغرافیایی را در مسیر تجزیه بر اساس یک الگوی قومی - مذهبی در راستای تأمین منافع قدرت‌ها پیش برده است.

با این توصیف، کشور عراق اکنون به عنوان یک فضای جغرافیایی واجد یک سری ارزش‌ها، فرصت‌ها و پتانسیل‌ها می‌باشد که با توجه به موقعیّت ژئوپلیتیک، جغرافیای انسانی خاص خود و به تبع آن ساختار فضایی نامتجانس قومی - مذهبی همراه با کارکرد ابزارگونه‌ی دو مؤلفه‌ی قومیت و مذهب برای قدرت‌های خارجی ذی‌نفع در این کشور موجب بروز رویکردهای متفاوت و رقابت میان قدرت‌های تأثیرگذار به منظور کسب این ارزش‌ها و فرصت‌ها شده است. با در نظر داشتن مطالب فوق، این پژوهش به بررسی نقش حساس دو عامل قومیت و مذهب در رقابت قدرت‌ها در فضای جغرافیایی کشور عراق می‌پردازد.

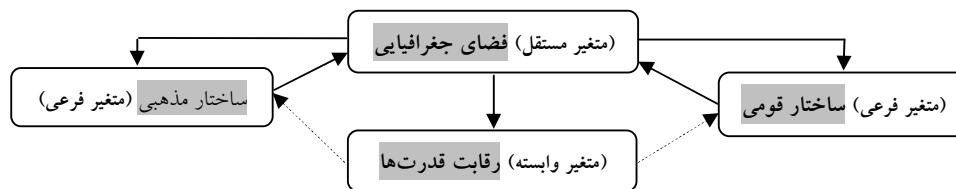
۲- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است و پرسشنامه‌ای با استفاده از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی گردید که جهت تأیید روایی آن از نظر صاحب‌نظران رشته‌های جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در حوزه مورد مطالعه استفاده گردیده است؛ در این راستا جهت حصول نتیجه، شاخص ضریب آلفای کرونباخ و آزمون‌های کولموگوروف - اسمیرنوف؛ دو جمله‌ای؛ T یک‌طرفه و فریدمن نیز به‌کار گرفته شد.

در خصوص نوآوری در موضوع پژوهش، لازم به ذکر است که رقابت قدرت‌ها در خاورمیانه تاکنون کم و بیش موضوع پاره‌ای تحقیقات بوده است اما در خصوص بررسی تأثیر ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و نقش فضای جغرافیایی کشور عراق در رقابت قدرت‌ها به‌عنوان نمونه موردی تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است و به‌ویژه اینکه در اکثر تحقیقات از میان عوامل جغرافیایی به نقش ساختارهای قومی و مذهبی در بحث رقابت قدرت‌ها کمتر پرداخته شده است؛ از این رو، این پژوهش سعی نموده است که با عمق بخشیدن به این دو عامل در رقابت قدرت‌ها، اهمیت آنها را در فضاهای جغرافیایی روشن‌تر نماید.

سؤالات، فرضیات و متغیرها

سؤالات	اصلی
۱- فضای جغرافیایی کشور عراق چگونه زمینه‌ساز دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور شده است؟	
۱- ساختار قومی کشور عراق چگونه زمینه‌ساز دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور شده است؟ ۲- ساختار مذهبی کشور عراق چگونه زمینه‌ساز دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور شده است؟	
فرضیه‌ها	اصلی
۱- به نظر می‌رسد فضای جغرافیایی کشور عراق به دلیل ناهمگونی بسیار زیاد آن زمینه‌ساز دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور باشد.	
۱- به نظر می‌رسد ساختار قومی کشور عراق به دلیل بافت نامتجانس انسانی آن زمینه‌ساز دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور باشد. ۲- به نظر می‌رسد ساختار مذهبی کشور عراق با توجه به اختلافات عمیق شیعه و سنی منجر به دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور باشد.	



نمودار شماره ۱: متغیرهای تحقیق

۳- مبانی نظری

دیدگاه مدرن ژئوپلیتیک سه مؤلفه را مورد مطالعه قرار می‌دهد: قدرت + سیاست (بازیگران سیاسی) + فضا (Ghadiri & Bigdelu, 2013: 45,46). که در این میان، فضاهای جغرافیایی در بطن خود حاوی ارزش‌هایی است که در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه و نظایر آن را می‌آفرینند (Ibid: 16,17) و نظر به اینکه در مباحث ژئوپلیتیک نقطه کانونی رقابت بر سر فضا و امتیازات موجود در آن می‌باشد (Hafeznia, 2006: 17)، از این رو به‌کارگیری ابزار قدرت بسیار مهم است و هر ابزار جغرافیایی سرشت کاربری خاص دارد که

بسته به عمل سیاستمداران می‌تواند هم ابزار قدرت باشد و هم تهدید (Ghadiri & Bigdelu, 2013: 45,46). در این راستا، مسئله تکثر قومی و مذهبی کشورها زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهم‌ترین ابزارهای آنها محسوب می‌شود. موقعیت جغرافیایی اقوام و اقلیت‌های مذهبی، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر می‌کند و به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی به شدت تقلیل می‌یابد. بر این اساس شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات با ایجاد بی‌نظمی و ناامنی یک کشور دارد. این شکاف‌ها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیر فعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها و یا همراه شدن تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی، موجب بروز و گسترش اختلافات با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌گردد (Ibid: 146,147).

از دید سارکس^۱، منازعات داخلی به‌ویژه منازعات قومی، مذهبی به‌نحو فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به موضوعات بین‌المللی هستند. از زمان پایان جنگ سرد، منازعات داخلی سهم بیشتری از منازعات جهانی را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این منازعات داخلی به نوبه خود شکل بین‌المللی به خود گرفته‌اند (Hagh Panah, 2009: 197)

جانانان فوکس با انجام تحقیقی میدانی و گردآوری آمار و اطلاعات مربوط ۳۲۷ اقلیت قومی در حال ستیز با دارای پتانسیل چالش در سراسر دنیا به این نتیجه رسیده که شمار گروه‌های قومی در حال چالش و منازعه در دهه ۱۹۹۰ با روند رو به رشدی کم‌سابقه مواجه بوده و ۲۷۵ اقلیت قومی در حال ستیز را شامل می‌شود. تأکید فوکس به منازعات قومی-مذهبی داخلی می‌باشد که پتانسیل منطقه‌ای و بین‌المللی شدن و بروز زمینه دخالت سایر

1. Sarkess

بازیگران را داشته‌اند^۱ (Ibid).

فروپاشی نظام دوقطبی و پایان دوران جنگ سرد در شروع دهه ۱۹۹۰ سرآغاز ایجاد تحولاتی بود که در خلال آن متغیر قومیت به تدریج از حاشیه به متن معادلات قدرت در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وارد شد و بر این اساس قوم‌گرایی و قومیت در دستور کار سیاست خارجی دولت‌ها قرار گرفت (Hagh Panah, 2008: 48). امروزه در عرصه‌ی ژئوپلیتیک، ملت - کشورها هنوز بازیگر مؤثری هستند اما در همین حال بازیگران مذهبی نیز، هم در عرصه دولتی و هم غیر دولتی صلاحیت‌های خود را در اطراف جهان گسترش می‌دهند. بنابراین با توجه به رشد فزاینده نقش مذهب در نظام بین‌الملل، لازم است به این بازیگران هم به‌عنوان بدیل‌های دولت و تحولاتی را که سیاست خارجی کشورها، حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل را تغییر می‌دهند، توجه نمود و از زوایای گوناگون تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های متقابل آن را مورد مطالعه قرار داد (Simbar, 2006: 115,116).

کیت کراس در مقاله «دولت‌سازی و منطقه‌سازی» در تبیین ارتباط سطح مسائل داخلی دولت‌ها با امنیت منطقه‌ای، ضمن تأکید بر رابطه‌ی بین هویت و سیاست خارجی، بیان می‌کند که ادراک و رفتار دولت در عرصه‌های پرچالش و خشونت‌زای داخلی، مانند چالش‌های قومی و مذهبی که در فرایند و سیر تاریخی دولت‌سازی آنان شکل گرفته‌اند، بر الگوهای رفتاری سیاست خارجی و تعامل دولت با سایر دولت‌ها و نحوه برخورد با ترتیبات امنیت منطقه‌ای مؤثر است (Maoz, 2004: 102).

تأکید بر عوامل مشترک قومی، نژادی، زبانی و دینی یکی از روش‌هایی است که کشورها از آن برای ایجاد و افزایش حوزه نفوذ خود بهره می‌برند. حاکمان کشورها متوجه هستند که نفوذ بر افکار و اعمال گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر همچون گروه‌های قومی، مذهبی، زبانی و طبقاتی که گرایش‌های مشابهی دارند، آسان‌تر است تا تأثیر بر کلّ یک ملت (Rovshandel, 1995: 149).

استفاده از عوامل مذکور در گسترش حوزه‌های نفوذ، دو ویژگی عمده دارد که آن را از

1. Fox, Jonathan, (2004), *Bringing Religion into IR*, Palgrave, chap 2.

شیوه‌های دیگر متمایز می‌سازد: نخست اینکه این عوامل مشترک بین کشورها و ملت‌ها از ثبات و پایداری برخوردارند و در دوره‌های طولانی می‌توانند نقش خود را حفظ کنند. ویژگی دوم، شیوه گسترش حوزه نفوذ بر پایه متغیرهای مشترک این است که در این روش هدف کشور ذی‌نفوذ صرفاً اقتصادی نبوده و به دنبال استعمار و استثمار کشورهای تحت نفوذ خود نیست. در این روش مسائل مهم دیگری که به حوزه ارزش‌های انسانی مربوط می‌شود، نیز مورد توجه قرار می‌گیرند و در شکل‌گیری حوزه‌های نفوذ تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب کشور بکارگیرنده ابزار فرهنگی سعی دارد در بلندمدت الگوهای رفتاری موردنظر خود را ترویج کند (Ghavam, 1991: 194). به‌رحال آنچه مشخص است اینکه کشورها به‌شدت مایل‌اند از قابلیت عوامل مشترک قومی، زبانی، دینی و مذهبی در ایجاد و گسترش حوزه نفوذ خود بهره ببرند. عوامل مذکور نیز به‌خوبی می‌توانند به‌صورتی پایدار در این زمینه نقش‌آفرینی کنند (Ahmadi, 2011: 42).

۱-۳- نظریه موازنه فراگیر

مفهوم «موازنه فراگیر» نخستین بار در سال ۱۹۹۱م توسط «استیون دیوید» در مقاله‌ای با عنوان «تبیین هم‌ترازی در جهان سوم» به‌کار رفت. به اعتقاد وی، موازنه فراگیر گونه‌ای از سیاست خارجی است که دولت‌های جهان سومی در راستای ایجاد توازن میان چالش‌های داخلی و خارجی و با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در این دو محیط اعمال می‌کنند (Hagh Panah, 2008: 83-84). موازنه فراگیر در عرصه‌ای موضوعیت می‌یابد که بازیگران غیردولتی فراملی و فروملی از جمله گروه‌های قومی - مذهبی فعال هستند؛ بر این اساس نظریه موازنه فراگیر می‌تواند مبنایی برای بررسی نقش و جایگاه متغیر قومیت در سیاست خارجی کشورها (به‌ویژه در خاورمیانه) باشد (Ibid: 61-62).

نظریه ساختار ژئوپلیتیکی جهان

سائول برنارد کوهن در نظریه ساختار ژئوپلیتیکی جهان قائل به دو یا سه کمر بند شکننده یعنی خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و آفریقای استوایی بود. این مناطق به عنوان کانون نفوذ قدرت‌ها و وجود فرآیندهای رقابت بین آنها شناخته می‌شد (Dikshit, 1995: 129).

کوهن پس از جنگ سرد تنها خاورمیانه را منطقه‌ای شکننده دانسته و دو منطقه دیگر را جزو قلمرو ژئواستراتژیک بحری می‌داند. کمر بند شکننده خاورمیانه از نظر او گرفتار رقابت قطب‌های قدرت درون منطقه‌ای از یک سو و رقابت قدرت‌های جهانی از سوی دیگر می‌باشد و کشورهای آن در موازنه قدرت جهانی نقش مؤثری ایفا می‌کنند (Hafeznia, 2006: 243).

نظریه بیضی استراتژیک انرژی

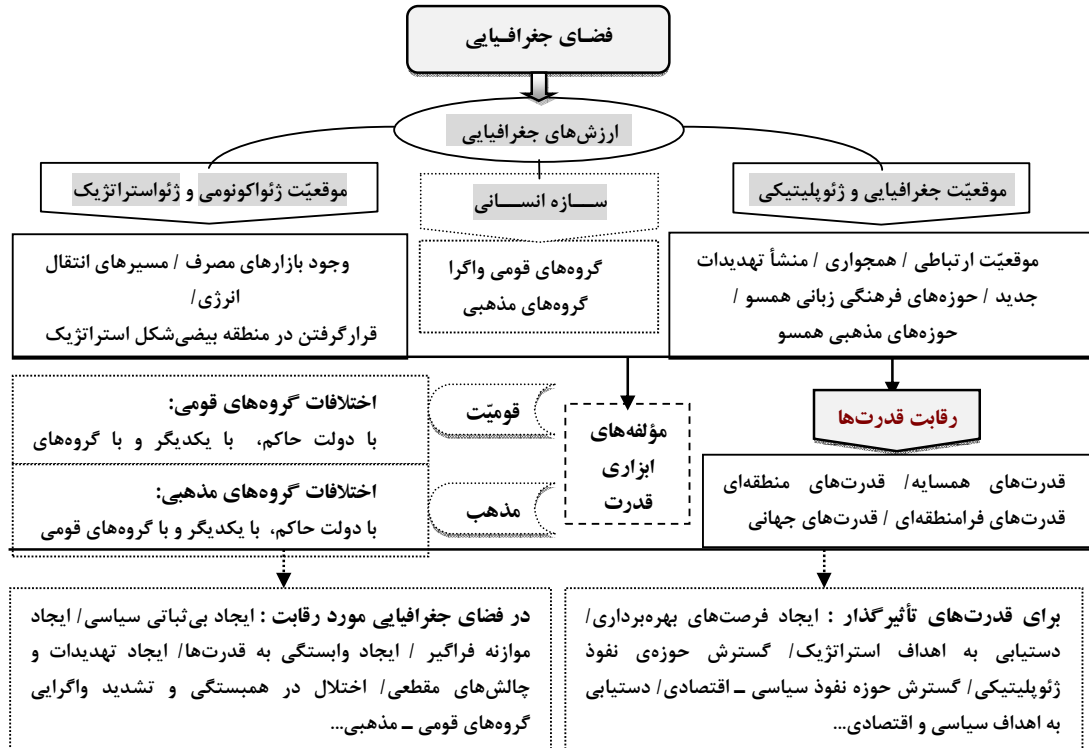
به لحاظ تاریخی خاورمیانه چهارراه پیوند دهنده امپراتوری‌ها، دودمان‌ها، فرهنگ‌ها و ارتش‌ها در زمان صلح و جنگ بوده است. اگر در آینده جنگ‌هایی در منطقه وجود داشته باشند که مستلزم مداخله قدرت‌های خارجی باشند به احتمال قوی برخاسته از نگرانی‌های گسترده ژئواستراتژیک در مورد کثرت ذخایر انرژی آن خواهند بود (Kemp & Harkavy, 2004: 13). بنابراین آنچه ما به اصطلاح خاورمیانه بزرگ و منابع انرژی‌اش می‌نامیم اکنون می‌تواند تکیه‌گاه استراتژیکی در عرصه سیاست نوین جهانی باشد. چرا که در حدود ۷۰٪ ذخایر تثبیت شده جهانی نفت و بیش از ۴۰٪ از منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه‌ای تخم‌مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عربی محصور گردیده است. بدین لحاظ وی این منطقه‌ی بیضی شکل را "بیضی استراتژی انرژی" نام نهاده است (Ibid: 178).

۲-۳- مدل مفهومی و نظری تحقیق

نظریاتی که در این بخش به تفصیل بحث شد هر کدام بر جنبه‌ای از موضوع تأکید نموده‌اند به طوری که نظریه موازنه فراگیر به بررسی نقش و جایگاه متغیر قومیت در سیاست خارجی

کشورها (به‌ویژه در خاورمیانه) پرداخته است و نظریه ساختار ژئوپلیتیکی جهان به شکندگی منطقه‌ی خاورمیانه، به سبب گرفتار بودن آن در رقابت قطب‌های قدرت درون منطقه‌ای و جهانی توجه دارد و از سوی دیگر، نظریه‌ی بیضی استراتژیک انرژی به تبیین رقابت قدرت‌های اقتصادی جهان برای در اختیار گرفتن منابع انرژی خاورمیانه به‌عنوان یک عامل و ارزش جغرافیایی می‌پردازد.

اما در این پژوهش براساس نمودار شماره ۲، به دنبال بررسی نقش فضای جغرافیایی عراق به‌طور کلی و تبیین و تشریح نقش ابزاری ساختارهای قومی و مذهبی این کشور در رقابت قدرت‌ها به‌طور جزئی و به‌عنوان بخشی از فضای جغرافیایی عراق پرداخته می‌شود که این امر به‌طور چند بُعدی در بر گیرنده کدهای ژئوپلیتیکی متعددی در سیاست خارجی قدرت‌های دارای نفوذ و اثرگذار در عراق و خاورمیانه می‌باشد. از آن جمله تضمین تأمین نیاز قدرت‌ها به انرژی و تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی و از سوی دیگر پیشبرد استراتژی‌های زمان‌مند قدرت‌ها و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا است که احتمالاً منجر به ایجاد تغییراتی در جغرافیای سیاسی عراق شود. بنابراین در صورت وقوع، متعاقباً به ایجاد تغییرات گسترده در ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه نیز خواهد انجامید.



نمودار شماره ۲: مدل مفهومی و نظری تحقیق

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای

موقعیت جغرافیایی - ژئوپلیتیکی کشور عراق

موقعیت عراق در منطقه جنوب غرب آسیا و تملک این کشور بر ذخایر عظیم نفت^۱ باعث شده است تا همواره در معرض دخالت قدرت‌های برتر دنیا قرار داشته باشد (Zovghi Barani, 2011: 55).

جدول شماره ۱: ذخایر نفت و گاز عراق تا پایان سال ۲۰۱۴

کشور	نفت	تا پایان ۲۰۱۴			تا پایان ۲۰۱۴			R/P نسبت
		تا پایان ۱۹۹۴	تا پایان ۲۰۰۴	تا پایان ۲۰۱۳	هزار میلیون تن	هزار میلیون بشکه	سهم از کل	
عراق		هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	۲۰.۲	۱۵۰	۸.۸٪	*

کشور	گاز	تا پایان ۲۰۱۴			تا پایان ۲۰۱۴			R/P نسبت
		تا پایان ۱۹۹۴	تا پایان ۲۰۰۴	تا پایان ۲۰۱۳	تریلیون فوت مکعب	تریلیون فوت مکعب	سهم از کل	
عراق		تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	تریلیون متر مکعب	۱۲۶.۷	۳.۶	۱.۹٪	*

Source: World Energy Statistics (www.bp.com)

* بیشتر از ۱۰۰ سال

از سویی دیگر، عراق پیوند دهنده ملت‌های عرب و غیر عرب بوده و در نتیجه تحقق این پیوند، که همانند صدر اسلام ممکن است پیوند عمیقی باشد و منافع غرب را در منطقه تهدید نماید، برای غرب اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه و از جمله عراق افزون‌تر می‌گردد (Tajfar, 2012: 55-56). بنابراین موقعیت جغرافیایی - ژئوپلیتیکی، منابع و ذخایر نفت و گاز، افتراقات

۱. براساس جدول شماره ۱ و مطابق آمار سالیانه جهانی انرژی (BP)، عراق دارای ۲۰.۲ میلیون تن (معادل ۱۵۰ هزار میلیون بشکه) ذخایر نفت و ۱۲۶.۷ تریلیون فوت مکعب (معادل ۳.۶ تریلیون متر مکعب) ذخایر گاز اثبات شده می‌باشد. ذخایر بزرگ نفت عراق که در منطقه شمالی و جنوبی این کشور واقع شده به‌حدی است که این کشور را به دومین دارنده ذخایر انرژی دنیا مبدل کرده است (Rabiee, 2005: 170).

قومی، جمعیتی و مذهبی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک عراق می‌باشد و پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، این کشور شاهد تغییر و تحولات عمیقی در ابعاد سیاسی - اقتصادی - نظامی و ژئوپلیتیکی گردید. به طوری که پس از اشغال نیز، عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه‌ای جدید، منطقه‌ی خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر ساخت (Ezzati & Nanevaa, 2011: 138).

ساختار جغرافیای انسانی (قومی - مذهبی) کشور عراق

جامعه عراق از سه مؤلفه تشکیل می‌شود: کردها، شیعیان و سنی‌ها. کردها، جماعتی قومی هستند اما تعبیر شیعه یا سنی یک تعین دینی - مذهبی است (Nami & Mohammad Pour, 2008: 289). جمعیت عراق براساس آخرین سرشماری در سال ۲۰۱۱ میلادی ۳۳.۳ میلیون نفر بوده است.^۱ عراق کشوری است با ترکیب قومیت‌های گوناگون و زبان‌های مختلف که بیشترین آنها به ترتیب عرب، کرد، ترکمن، آشوری (مسیحی) و سایر اقلیت‌ها هستند (Tajfar, 2012: 134). به لحاظ مذهبی نیز اکثریت با شیعیان و سپس با اهل تسنن است البته اقلیت‌های دینی دیگری نیز همچون مسیحیان، یهودیان، ایزدی‌ها، بهائی‌ها و صابئین در عراق وجود دارد (نقشه شماره ۱). از ۱۹ استان عراق، تعداد ۱۴ استان دارای بیشترین جمعیت عرب‌زبان هستند. تعداد ۵ استان [۳ استان تحت حاکمیت اقلیم کردستان عراق همراه با استان تازه تأسیس حلبچه و استان مورد مناقشه کرکوک] هم اکثریت جمعیت آن‌ها کرد می‌باشند و تعدادی از استان‌ها از جمله نینوا، صلاح‌الدین، کرکوک، دیالی و بغداد، دارای اقلیت‌های بزرگی از کردها، اعراب شیعه و سنی و دیگر گروه‌های مردمی (ترکمن، مسیحی، ...) هستند. بنابراین زبان رسمی در این کشور عربی و کردی است.

1. <http://www.geohive.com/cntry/iraq.aspx>

نقشه شماره ۱: پراکندگی گروه‌های قومی - مذهبی در عراق (گروه‌های اقلیت و اکثریت)^۱



Source: <http://www.oilempire.us/iraqoil.html>

شکاف‌ها و تنش‌های قومی و مذهبی در عراق

عراق از کشورهای متکثر قومی و مذهبی در خاورمیانه می‌باشد، حضور کردها، اعراب، ترکمن‌ها و آشوریان و تقسیم اکثریت جمعیت کشور به دو مذهب شیعه و سنی [جدا از دیگر

1. Iraq-ethnic-1978

ادیان و مذاهب] تنوع خاصی را در داخل مرزهای سیاسی آن به وجود آورده است (Karimiyan, 2007: 9) بر این اساس شکاف‌های اجتماعی عراق را در حوزه قومیت می‌توان به دو نوع «عرب - کرد» و در حوزه مذهب به دو نوع «سنّی محور - شیعه محور» تقسیم کرد (Chukhachy Zade Moqaddam, 2013: 10).

چالش‌های قومی: اختلافات کردها و اعراب

از همان ابتدای تشکیل دولت عراق، جنگ کرد و عرب آغاز گردید و طی سه دوره ۱۹۲۵-۱۹۱۵، ۱۹۷۵-۱۹۲۵ و ۱۹۹۱-۱۹۸۰ شدت گرفت (Nami & Mohammad Pour, 2008: 286). ارتباط بین اعراب و کردها به‌طور تاریخی منشأ بیشترین تنش و کشمکش بوده است (Brancati, 2004: 12). جوهره اصلی روابط کردها و اعراب در عراق، بی‌اعتمادی عمیق و در لایه‌های خصوصی‌تر، نفرت ویژه کردها از اعراب است (Yeylaghy, 2011: 270). اکنون نیز منازعه قومی کردی - عربی، به‌خصوص در قالب بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان جلوه‌گر است. این اختلافات در مسائلی مانند گسترش مرزهای منطقه فدرالی کردی، پیشمرگه‌های کرد و تداخل وظایف و حوزه عملکردی آن‌ها با نیروهای ارتش عراق، نفت و آینده کرکوک و مسائلی از این قبیل است (Asadi, 2012: 352-353).

چالش‌های مذهبی: اختلافات شیعیان و اهل سنّت

گوناگونی مذهبی بخصوص شیعه و سنّی، بافت قدرت و تحولات اجتماعی این کشور را ویژه کرده است. حضور اقلیت سنّی در رأس هرم قدرت در تاریخ گذشته عراق و فشارهای شدید بر شیعیان این کشور مهمل اختلافاتی فراوان بوده است و به دلیل شکننده بودن ساختار قدرت در این کشور همچنان این اختلافات مذهبی بالاخص با تبلیغات وسیع وهابیون در صحنه اجتماعی عراق از دغدغه‌های مهم عراق نوین قلمداد می‌شود (Darvishy & Partov, 2011). در کنار آن شیعیان همواره علی‌رغم اینکه حداکثر جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند ولی

موقعیت حکومت بر این سرزمین را به دست نیاورده بودند. این مسئله همیشه زمینه‌ساز چالش‌ها و اختلافات بین شیعه و سنی در کنار بحث‌های ایدئولوژیکی بوده است (Nami & Mohammad Pour, 2008: 315-316). بنابراین اکنون اختلافات شیعی و سنی، در مورد نحوه تقسیم قدرت در نظام سیاسی جدید، ساختار و عناصر نیروهای نظامی و امنیتی و به عبارتی مسأله بعثی‌زدایی و نحوه تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. علاوه بر آن، اقدامات تروریستی گروه‌های افراط‌گرای سنی مانند القاعده و داعش در مقابل شیعیان نیز می‌تواند در قالب منازعه فرقه‌ای شیعی - سنی قرار گیرد (Asadi, 2012: 353).

عراق و تنوع بازیگران و قدرت‌های تأثیرگذار

سیاست داخلی عراق متأثر از یک سری عوامل داخلی و خارجی می‌باشد که منجر به بی‌ثباتی داخلی این کشور شده است و در رأس آنها بحران قومی - مذهبی است (Asadi, 2012: 351) و شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عراق جدید را تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی طیف وسیعی از گروه‌های داخلی، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای (جدول شماره ۲) در روند تحولات سیاسی - امنیتی و اقتصادی و پیشینه تاریخی و نقش متفاوت گروه‌های داخلی عراق (جدول شماره ۳) در شرایط کنونی این کشور دانست (Ezzati & Nanevaa, 2011: 138).

جدول شماره ۲: قدرت‌های تأثیرگذار در عراق

				روسیه	ایالات متحده	بازیگران فرامنطقه‌ای و جهانی
سازمان‌های سلفی‌گرا	اتحادیه عرب	اسرائیل	عربستان	ترکیه	ایران	بازیگران همسایه و منطقه‌ای
			اعراب سنی	گردها	اعراب شیعی	بازیگران عمده داخلی

جدول شماره ۳: وضعیت بازیگران عمده داخلی

اعراب شیعی	گُردها	اعراب سنی
اکثر شیعیان عراق، ایران و آمریکا را به عنوان ستون‌های دوگانه قدرت و منابع اصلی کسب حمایت خارجی خود در منازعات گروهی قدرت تلقی می‌کنند (Vaezi, 2008).	با نظام بین‌الملل هماهنگ هستند و قوی بودن رویکرد سکولاریسم در آنها از نقاط قوت بین‌المللی آنها محسوب می‌شود.	یکی از اقلیت‌های عراق هستند که سابقه طولانی مدت در حکومت دارند ولی اکنون جایگاه خود را در حاکمیت به نفع گُردها و شیعیان از دست داده‌اند (Nami & Mohammad Pour, 2008: 46).
احتمال پشتیبانی شیعیان منطقه از آنان وجود دارد. حامی اصلی آنان ایران است. کویت، اردن، ترکیه و عربستان علاقه‌ای به حمایت آمریکا از اعراب شیعی ندارند.	فاقد حمایت منطقه‌ای قدرتمند هستند (Vaezi, 2008). اما با این وجود، رابطه‌ی قابل تأملی با اسرائیل برقرار کرده‌اند.	از سوی کشورهای عربی به لحاظ مالی - سیاسی و... حمایت می‌شوند.
با مخالفت کشورهای عربی به‌طور عام روبه‌رو بوده و پشتیبانی جامعه جهانی از آنان بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود.	تجربه‌ی ۱۷ سال اداره حکومت در منطقه خود را داشته و برخوردار از سرویس امنیتی قابل توجهی هستند.	بعد از اکراد دومین گروه سازماندهی شده و آموزش دیده در عراق هستند.
محل سکونت آنان اغلب نواحی جنوبی و مرکزی عراق است که از لحاظ استعداد زراعی و منابع نفتی بسیار غنی است.	به‌طور اصولی، عامل اصلی تجزیه عراق هستند و پیش از آنکه دنبال قدرت در عراق باشند، به دنبال جغرافیا هستند.	استانهای محل سکونت آنان، واقع در مرکز و غرب عراق، فاقد منابع نفتی و یا درآمدی مناسب است.
دارای نوعی سازماندهی درونی‌اند که از توجه آنان به علما ناشی می‌شود (Dodge, 2005: 35).	دارای کادرهای سیاسی و آموزش دیده قوی با قدرت رسانه‌ای جهانی می‌باشند.	بعثی‌ها را باید بخشی از طیف اهل تسنن محسوب کرد که تشکیلات و تخصص را در این بخش ساماندهی می‌کنند.

(Malaek, 2007: Strategic Research Center)

کشورهای همسایه عراق و دیگر بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار در تحولات عراق، نگرش‌های گوناگونی درباره «عراق مطلوب» شان دارند. گاه بین این نگرش‌ها و استراتژی‌ها هم‌پوشانی وجود دارد و گاه با یکدیگر مغایر و حتی متناقض است. چرا که هر یک از بازیگران مطابق جدول شماره ۴ دارای اهداف و منافع خاصی در عراق هستند و براساس همین اهداف و منافع و نحوه تعاملاتشان با بازیگران محیط داخلی عراق نسبت به تحولات حال و آینده این کشور موضع‌گیری می‌کنند.

جدول شماره ۴: بازیگران همسایه، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در عراق (کدهای ژئوپلیتیکی

قدرت‌ها)

ایالات متحده	روسیه	ایران	ترکیه
حمایت از رژیم‌های موافق و هماهنگ با آمریکا (Lesser & others, 2006: 105).	حمایت سیاسی آشکار از PKK (حزب کارگران کردستان ترکیه) در مقابل ترکیه و حمایت‌های نظامی پنهان.	ممانعت از تأسیس رژیم‌های مخالف ایران همانند حکومت صدام حسین.	برقراری ثبات و امنیت نسبی در عراق (Ghasemi, 2010: 51,52).
حفظ جریان انرژی و نفت به سوی جهان غرب.	استفاده از شمال عراق به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف و تحت فشار قراردادن ترکیه.	ارتقاء جایگاه گروه‌های شیعه در صحنه عراق (Ghasemi, 2010: 53).	الگو نشدن شمال عراق برای کردهای ترکیه.
جلوگیری از ظهور قدرت‌های ضد آمریکایی در منطقه و قدرت‌یابی رقبای آمریکا در منطقه	از آنجا که عراق به طور سنتی منطقه نفوذ روسیه بوده است، تضعیف عراق در هر حال به سود روسیه نیست (Mohammady & Khalidy, 2012: 187).	افزایش نفوذ در بین گروه‌های مختلف عراقی (بازیگران مؤثر داخلی) (Nami & Mohammad Pour, 2008: 450,451).	مبارزه با شورشیان کرد پناه گرفته در شمال عراق و تبدیل این منطقه به محلی ناامن برای شورشیان.
تأمین امنیت و تضمین بقای اسرائیل.	مخالفت رسمی با حملات نظامی ترکیه به مناطق کردنشین شمال عراق.	حمایت از ایجاد دولتی بر پایه مذهب شیعه.	حمایت از وضع ترکمان‌های عراق.
اسرائیل	عربستان	اتحادیه عرب (سازمان منطقه‌ای)	سازمان‌های سلفی‌گرا (بازیگران غیردولتی)
تهدید تمامیت ارضی عراق و تقویت فعالیت‌های استقلال‌طلبانه در میان اقوام کردی جهت فشار بر ایران، سوریه، عراق، ترکیه.	شکل‌گیری یک دولت میانه‌روستی در عراق است که با این کشور دشمنی نداشته باشد و منافع ملی آن را به مخاطره نیندازد.	جلوگیری از تضعیف هویت عربی و سنتی عراق به نفع هویت کردی و شیعی آن.	ایجاد جنگ داخلی تمام‌عیار بین گروه‌های شیعی و اعراب سنتی با کشتاندن شبه‌نظامیان شیعی به واکنش نظامی.
استقرار پایگاه‌های نظامی و جاسوسی جهت رصد فعالیت‌های ایران و پاکستان.	سوق دادن مخالفان رادیکال عربستان به میدان عراق (Henderson, 2007: 7-9).	جلوگیری از تجزیه عراق و تضعیف تمامیت ارضی آن.	ایجاد مشکلات و مانع بر سر روند سیاسی جدید عراق بعد از روی کار آمدن دولت شیعی.
استفاده از نفت و بازار عراق (Asadi, 2012: 60).	ممانعت از ظهور رقبای جدی در مقابل زعامت ادعایی عربستان در جهان اسلام و منطقه خلیج فارس.	خروج نیروهای غیرعرب از عراق و استقرار نیروهای عربی در عراق.	فشار به نیروهای خارجی (به ویژه آمریکایی‌ها) از طریق عملیات انتحاری و اخراج آنها.
تجزیه عراق و تبدیل آن به واحدهای سیاسی کوچکتر که از آن جمله، تشکیل حکومت کردی متحد در مقابل اعراب [ایجاد یک هم‌پیمان منطقه‌ای غیرعرب] (www.pishkesvat.ir).	زمین‌گیر کردن ارتش آمریکا در عراق با ایجاد درگیری‌های داخلی جهت منتفی شدن فکر حمله آمریکا به عربستان سعودی (Jafari Valdany, 2009: 97-99).	دستیابی به یک راه‌حل بین‌العربی برای بحران عراق.	تغییر مرزهای کنونی بین کشورهای اسلامی به حالت پیش از جنگ جهانی اول (لغو موافقتنامه منعقد شده سایکس - پیکو بین فرانسه و بریتانیا).
احتمال استفاده از فضای عراق برای حمله به ایران.	به شکست کشتاندن مدل دمکراسی عراق (Ghasemi, 2010: 49).	جلوگیری از تشکیل دولت مستقل کرد (Nami & Mohammad Pour, 2008: 436).	کشتاندن جنگ فرقه‌ای و داخلی به عرصه منطقه‌ای و در نهایت ایجاد خلافت اسلامی (Mansoury, 2014).

۲-۴- یافته‌های میدانی

به منظور بررسی متغیرهای پژوهش برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، در جدول شماره ۵ متغیرهای مستقل و آماره‌های مربوط به آنها آورده شده است.

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد سؤال	میانگین	میانه	مُد	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ساختار قومی	۴۰	۲/۱۸۸	۲/۱۳۳	۲/۰۷	۰/۲۴۹۳	۰/۳۴۲	۰/۳۱۰
ساختار مذهبی	۴۰	۲/۱۱۶	۲/۰۷۱	۱/۷۹	۰/۳۳۴۹	۰/۶۴۰	-۰/۶۵۵

Source: Research findings

جدول شماره ۶: آزمون دو جمله‌ای

فرضیه	متغیر	تعداد مشاهده شده	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معنی داری sig
اول	ساختار قومی	۳۸	۰/۹۵	۰/۶	۰/۰۰۰
	ساختار قومی	۲	۰/۰۵		
دوم	ساختار مذهبی	۳۹	۰/۹۷۵	۰/۶	۰/۰۰۰
	ساختار مذهبی	۱	۰/۰۲۵		

Source: Data Research

جدول شماره ۷: آزمون تحلیلی تک عاملی T

اختلاف		تفاوت	سطح	درجه	آماره t	متغیر	فرضیه	
بازه اطمینان ۹۵%		میانگین	معنی داری	آزادی				
ماکزیمم	مینیمم	sig						
-۰/۷۳۱۹	-۰/۸۹۱۶	-۰/۸۱۱	۰/۰۰	۳۹	-۲۰/۵۸۴	ساختار قومی	اول	
-۰/۷۷۶۷	-۰/۹۹۱۰	-۰/۸۸۳	۰/۰۰	۳۹	-۱۶/۶۹۳	ساختار مذهبی	دوم	

Source: Research findings

آمار ناپارامتری برای حجم نمونه کم، نتایج بهتری ارائه می‌دهد ولی آزمون‌های پارامتری از سطح دقت بیشتری برخوردارند. بر این اساس طبق جدول‌های شماره ۶ و ۷ برای بررسی فرضیه‌ها، ابتدا از روش‌های ناپارامتریک یعنی آزمون دوجمله‌ای و سپس روش پارامتریک T یک‌طرفه نیز جهت بالا بردن سطح دقت در ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

ارزیابی فرضیات

فرضیه اول بیان می‌دارد که ساختار قومی کشور عراق به دلیل بافت نامتجانس انسانی آن، بر دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور تأثیر دارد. فرضیه دوم بیان می‌دارد که ساختار مذهبی کشور عراق با توجه به اختلافات عمیق شیعه و سنی در این کشور منجر به دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور شده است. لازم به ذکر است که چون جواب‌های (بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف) در پرسشنامه پنج‌گزینه‌ای دلیلی بر عدم وجود رابطه بین موارد خواسته شده در فرضیات می‌باشد؛ بنابراین ۳ مقدار آزمون است.

از این‌رو براساس نتایج به‌دست آمده طبق جدول شماره ۶، در آزمون دوجمله‌ای، نسبت مشاهده شده گروه دوم در هر دو فرضیه کمتر از نسبت آزمون و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین طبق جدول شماره ۷، در هر دو فرضیه براساس نتایج آزمون t استودنت مقدار آزمون از میانگین طبق جدول شماره ۵، که به ترتیب برابر با ۲/۱۸۸ و ۲/۱۱۶ می‌باشد، بیشتر است و مقدار سطح معنی‌داری (sig) نیز در هر دو فرضیه برابر با ۰/۰۰۰

می‌باشد که این مقدار از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر می‌باشد. در نتیجه هر دو آزمون نشان می‌دهد که بین ساختار قومی و مذهبی کشور عراق و دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور رابطه معنی‌داری وجود دارد و بر این اساس هر دو فرضیه مذکور مورد تأیید است.

۳-۴- تجزیه و تحلیل نظری نقش قدرت‌های خارجی در عراق

تجزیه و تحلیل نظری نقش قدرت‌های خارجی در عراق طبق جدول‌های شماره ۸ و ۹ و نیز براساس چگونگی نقش و تأثیرگذاری بازیگران سیاسی مطرح شده به صورت موردی و رقابت آنها در فضای جغرافیایی عراق از طریق نفوذ در ساختارهای قومی و مذهبی آن در قالب بهره‌برداری‌های ابزاری از مؤلفه‌های قومیت و مذهب و یا یکی از آنها با توجه به گداهای ژئوپلیتیکی خویش صورت گرفته است.

جدول شماره ۸: متغیرهای ابزاری کاربردی قدرت‌های خارجی تأثیرگذار در عراق

سازمان‌های سلفی‌گرا	اسرائیل	اتحادیه عرب	عربستان	ترکیه	ایران	روسیه	ایالات متحده	قدرت‌های خارجی تأثیرگذار در عراق
مذهب	قومیت	قومیت مذهب	قومیت مذهب	قومیت	قومیت مذهب	قومیت	قومیت مذهب	متغیرهای ابزاری کاربردی

جدول شماره ۹: میانگین مجموع درصد پاسخ‌دهندگان موافق و کاملاً موافق به سنجه‌های مربوط به

قدرت‌های خارجی تأثیرگذار در عراق

سازمان‌های سلفی‌گرا	اسرائیل	اتحادیه عرب	عربستان	ترکیه	ایران	روسیه	ایالات متحده	قدرت‌های خارجی تأثیرگذار در عراق
۷۳/۱۲	۸۳/۳۳	۸۱/۶۶	۸۱/۱۲	۷۷/۵	۸۲/۵	۸۰	۷۵	درصد

Source: Research findings

ایالات متحده: در آغاز سال ۲۰۰۳ با متحد نمودن جناح‌های کُرد عراق علیه صدام و حمله به این کشور و بنیان نهادن یک حکومت با ساختار کثرت‌گرا و از سوی دیگر برقراری روابط با رهبران جناح‌های مختلف قومی و مذهبی زمینه گسترش اختلافات بین آنها را ایجاد و بدین ترتیب زمینه را برای تجزیه عراق به وسیله خود عراقی‌ها براساس ناسیونالیسم قومی و فرقه‌گرایی دینی و مذهبی فراهم نموده است و در این میان با توجه به نقش و تأثیرگذاری دیگر رقبای به‌ویژه ایران، و حمایت آن از اکثریت شیعه که ساختار قدرت در این کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ ایالات متحده نیز در تقابل با وضعیت پیش‌رو؛ با حمایت از اقلیت کُرد شمال عراق و اعراب سنی و نیز تقویت و گسترش غیرمستقیم رادیکالیسم سنی، سعی در تغییر معادلات معارض در حال شکل‌گیری در مسیر اهداف و کُدهای ژئوپلیتیکی از پیش تعیین‌شده خود می‌باشد.

روسیه: به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای، همواره عراق را یک متحد سنتی خود به حساب آورده است و جهت دستیابی به اهدافش، همچون دیگر قدرت‌ها و همسایگان عراق از برگ برنده کُردها در مقاطع زمانی مختلف سود برده است به‌طوری‌که از کُردهای ترکیه و عراق در تقابل با ترکیه جهت آسیب‌پذیری ترکیه به‌عنوان یک رقیب سنتی در شمال عراق، حمایت می‌کند. اما به‌طور کلی می‌توان گفت: دخالت روسیه در عراق به‌صورت منقطع بوده است به‌طوری‌که با ورود گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، روسیه تلاش نموده است که با بهره‌گیری از زمینه‌های قدیمی، اما همچنان ماندگار نفوذ و مداخله در این کشور یعنی اختلافات دیرینه قومی و مذهبی، حضور قدرتمندتری در عراق ایفا کند؛ به‌طوری‌که بتواند با تأثیر گذاشتن بر کُدهای ژئوپلیتیکی قدرت‌های رقیب، نفوذ حلقه‌اش را تا حد امکان حفظ نماید.

ایران: دارای اقلیت‌های قومی کُرد و عرب می‌باشد که عقبه آنها در عراق است بنابراین

همواره جهت تثبیت تمامیت ارضی خود و جلوگیری از واگرایی این اقوام، سعی کرده است که سطحی از نفوذ و سلطه سیاسی خود را بر این اقلیت‌ها در عراق حفظ نماید. از سویی دیگر، وجود اکثریت جمعیت شیعه مذهب عراق نیز به‌عنوان متحدان ایدئولوژیک ایران و وجود اماکن مذهبی و زیارتی اهل تشیع در این کشور، زمینه دیگری برای حضور و نقش فعال ایران در عراق است. بر این اساس ایران با استفاده از برگ برنده اقلیت‌های قومی و به‌ویژه کردها و نیز اکثریت شیعه مذهب هم‌سو، قادر خواهد بود مرزهای غربی امن‌تری نسبت به گذشته داشته باشد و همچنین از عراق به‌عنوان یک کشور دوست جهت ورود به جهان عرب و گسترش حوزه نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک خود بهره‌برداری نماید.

ترکیه: با توجه به دارا بودن بزرگترین اقلیت قومی کُرد در مرزهایش و وجود عقبه آن در عراق که دارای قدرت سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشد، در نظر گرفتن کردها به‌صورت اتوماتیک به بخشی از سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است بنابراین ترکیه همواره از طریق گسترش ارتباطات سیاسی و اقتصادی با اقلیت کُرد عراق سعی در کنترل و نیز جلوگیری از تمایلات واگرایانه اقلیت بزرگ کُرد در مرزهای خود را دارد و در این راستا با کشورهای ایران و سوریه نیز سیاست همگرایی را در پیش گرفته است. از سویی دیگر و در سطحی کلان‌تر، ترس از احیای پیوندهای میان اسرائیل و کردهای عراق و نیز احتمال استقلال کُردستان عراق و کاهش نقش ترکیه به‌عنوان متحد اصلی ایالات متحده در منطقه باعث شده است که همواره سطحی از توازن در ارتباطاتش با کردها را مدنظر قرار دهد.

عربستان: به‌عنوان مدعی قدرت منطقه‌ای و نیز رهبری جهان اسلام، جهان عرب و حتی منطقه خلیج فارس، دارای بسترهای زیادی برای حضور و مداخله در عراق است. عربستان سعودی از سویی نظر به تجهیز نیروهای افراطی سلفی در عراق، سعی در تضعیف شیعیان منطقه و به‌ویژه عراق دارد. از سویی دیگر، عربستان با تبلیغ افکار پان‌عربیستی نیز درصدد

تقویت هویت عربی عراق در مقابل هویت کردی آن است.

اتحادیه عرب: یک سازمان منطقه‌ای متشکل از کشورهای عرب‌زبان است که با نظر به آرمان‌های آن در خصوص اندیشه ایجاد هویت عربی مشترک و نیز اتحاد عربی فرامنطقه‌ای میان ملل عرب‌زبان همواره تلاش نموده است که به هر شیوه ممکن اعراب سنی را به صحنه سیاسی عراق بازگرداند و از برنامه‌هایی که عراق را به سوی تجزیه پیش می‌برند ممانعت به عمل آورد و در این راستا به‌ویژه از تشکیل دولت مستقل کرد جلوگیری نماید چرا که این موضوع در نهایت امر به تجزیه دیگر کشورهای عربی منطقه نیز دامن خواهد زد.

اسرائیل: یک قدرت منطقه‌ای مورد حمایت ایالات متحده در خاورمیانه است که به لحاظ قومی و دینی در تقابل با اکثریت عرب مسلمان منطقه قرار دارد. بدین لحاظ در راستای گسترش نفوذ در فضای پیرامونی خویش و افزایش ضریب امنیت ملی‌اش، همواره به وجود اقلیت کرد خواهان استقلال در شمال عراق به چشم فرصت نگریسته است تا جایی که موقعیت ژئوپلیتیکی آنها را نیز به‌عنوان هارتلند خود تصور می‌نماید.

سازمان‌های سلفی‌گرا: و از جمله آنها، سازمان القاعده و اکنون نیز، گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) با حمایت‌های آشکار و پنهان برخی کشورهای عرب و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذی‌نفع همچون ترکیه، اسرائیل و نیز ایالات متحده، از سال ۲۰۱۴ با تصرف بخش‌هایی از خاک عراق و تشدید اختلافات مذهبی داخلی و ایجاد جنگ فرقه‌ای و به‌نوعی جنگ مذهب علیه مذهب، مانعی بر سر راه روند سیاسی جدید (قدرت‌گیری شیعیان) عراق ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر با گسترش جنگ و درگیری با دیگر گروه‌های قومی - مذهبی غیرعرب همچون کردها، ترکمانان و مسیحیان (آشوری) و رسانه‌ای کردن آن در جهان، به پیشبرد سناریوی اسلام‌هراسی طراحی شده از سوی غرب کمک نموده‌اند.

از این‌رو، میانگین‌های به‌دست آمده براساس جدول شماره ۹ بیانگر این امر است که

قدرت‌های تأثیرگذار در عراق هر کدام با نظر به نگرش‌ها و استراتژی‌های گوناگونی [که گاه با یکدیگر مغایر و حتی متناقض و گاه هم‌پوشانی دارند] که درباره «عراق مطلوب»شان دارند و همچنین در تأیید فرضیه‌های پژوهش؛ با استفاده ابزاری از مؤلفه‌های قومیت و مذهب و گاهاً یکی از آنها، سعی در بهره‌برداری از ارزش‌های جغرافیایی این کشور و همچنین حضور و نقش فعال‌تر در فضای سیاسی و جغرافیایی آن (نفوذ و مداخله)، پیشبرد اهداف سیاسی و استراتژیک، متأثر نمودن کُدهای ژئوپلیتیکی رقبای سیاسی و ایدئولوژیک خود، حفظ نفوذ سنتی و یا گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و سیاسی خویش را دارند.

۵- نتیجه‌گیری

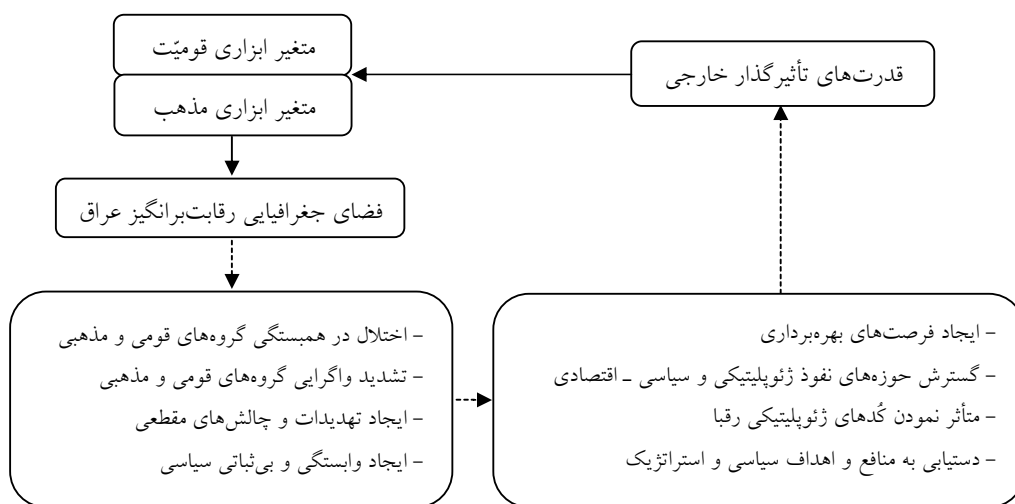
فضای جغرافیایی برخی کشورها همچون عراق، نظر به اهمیت و حساسیت موقعیت آن به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و استراتژیک بودن، دربرگیرنده ارزش‌ها و پتانسیل‌هایی است که جاذبه کشش بازیگران همسایه و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌سوی خود دارا می‌باشد. اما در این راستا کشورهایمانند عراق که با خلأ قدرت و بی‌ثباتی سیاسی مواجه‌اند و یا ساختار شکل‌گرفته حکومت و دولت در آنها ضعیف است و توانایی بهره‌برداری مفید از این ظرفیت‌ها را ندارند، این امر منجر به تنزل هر چه بیشتر وجهه دولت و تضعیف ساختار حکومت و دولت در آنها شده و در نهایت به ایجاد بازتاب منفی بر روی جامعه و مردم خواهد انجامید.

در این راستا، کشور عراق با قرار گرفتن در هارتلند خاورمیانه؛ موقعیتی که به‌لحاظ پیشینه تمدنی، تاریخی و سیاسی و قدرت نقش‌آفرینی سیاسی آن، همچنین وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، بسترهای بهینه‌ی انتقال انرژی و برخوردار بودن از مرکزیت نسبی، موجبات توجه فزاینده قدرت‌های بزرگ به آن و رقابتشان برای کنترل و تسلط بر آن و یا ارزش‌های جغرافیایی ویژه آن شده است. اما از دیگر سو، به‌دلیل نحوه تأسیس، بافت نامتجانس قومی - مذهبی و عدم

شکل‌گیری هویت ملی فراگیر در آن به سبب ناموفق بودن حکومت‌های پیشین در فرایند دولت - ملت‌سازی و ساختار حکومتی متزلزل فعلی در حفظ یکپارچگی سرزمینی؛ این کشور زمینه پیشبرد اهداف استراتژیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در موقعیت ژئواکونومیکی خود به علت قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی و منطبق بودن بر روی کمربند شکننده خاورمیانه فراهم نموده است.

در این میان، شکاف‌های قومی - فرقه‌ای عامل عمده‌ای در تأثیرپذیری رویکرد سیاست خارجی حکومت و گروه‌های عراقی از کشورهای همسایه و دیگر بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز تأثیرگذاری فزاینده آنها بر سیاست داخلی و روند تحولات جاری این کشور شده است. به طوری که از یک سو، ایالات متحده، ایران، عربستان، ترکیه و سازمان‌های سلفی‌گرا با حضور و نقش فعال خود در عراق و دیگر قدرت‌ها همچون روسیه، اسرائیل، اتحادیه عرب با نفوذ و مداخله خویش، فضای جغرافیایی این کشور را در واقع امر به کمربندهای شکننده‌ای تبدیل نموده‌اند که بازیگران داخلی این کشور اعم از گروه‌های قومی و مذهبی به حالت مدخل‌ها و مناطق فشار برای این کشور درآمده‌اند و در این میان ایالات متحده به‌ویژه با بهره‌برداری ابزاری از گروه اقلیت کُرد با توجه به جایگاه برتر ژئوپلیتیکی آن به سبب وجود ذخایر انرژی، کنترل شیعیان و کمک به حفظ امنیت اسرائیل و نیز حمایت از اعراب سنی به سبب دارا بودن بسترهای مناسب سرزمینیشان جهت انتقال انرژی و گسست حلقه هلال شیعی توانسته است علاوه بر حفظ موقعیت و نفوذ، فرصت تأثیرگذاری بیشتر خود را بر صورت‌بندی عراق آینده و سهم شدن در شکل‌دهی آن که یکی از اهداف اصلی، سیاست اشاعه می‌باشد را فراهم کند. از سوی دیگر، کشورهای همسایه عراق نیز با استفاده ابزاری از عقبه‌های قومی و مذهبی همسو و جهت نیل به اهداف و گداهای ژئوپلیتیکی خویش در چارچوب موازنه فراگیر، زمینه‌های نفوذ، دخالت و تنش‌زایی را در این کشور و در تقابل با آن و دیگر رقبای همسایه موجب می‌شوند، که اجرای چنین سیاستی در عین حال علی‌رغم عدم خواست و اراده سیاسی

آنها منجر به تقویت هویت‌های فروملی در عراق و دیگر کشورهای منطقه می‌گردد و این امر متعاقباً کمکی به پیشبرد پروژه خاورمیانه بزرگ ایالات متحده که نشأت گرفته از پتانسیل شکنندگی خاورمیانه است، می‌باشد؛ که تجزیه و به عبارتی کوچک‌سازی جغرافیای سیاسی عراق نیز سرآغازی برای آن است.



نمودار شماره ۳: مدل مفهومی نقش قدرت‌های تأثیرگذار در فضای جغرافیایی عراق

بنابراین، نتایج به دست آمده از این پژوهش براساس نمودار شماره ۳ و یافته‌های مطالعاتی و میدانی مطابق جدول‌های شماره ۸ و ۹، بر پایه نقش فضاهای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها و در تأیید فرضیه‌های ارائه شده مبنی بر زمینه‌ساز شدن بافت نامتجانس قومی و اختلافات مذهبی در نفوذ، دخالت و حضور قدرت‌ها در این کشور بیانگر آن است که قدرت‌های تأثیرگذار در این کشور با بهره‌برداری ابزاری از مؤلفه‌های قومیت و مذهب، علاوه بر اینکه در فضای رقابتی عراق موجب اختلال در همبستگی گروه‌های قومی و مذهبی و تشدید واگرایی آنها به صورت ایجاد تهدیدات و چالش‌های مقطعی و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی و وابستگی

این کشور به خود شده‌اند؛ بسترهای دخالت و حضور خود را نیز جهت ایجاد فرصت‌های بهره‌برداری، گسترش حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیکی و سیاسی - اقتصادی و نیز متأثر نمودن کُدهای ژئوپلیتیکی رقبا در راستای دستیابی به منافع و اهداف سیاسی و استراتژیک را فراهم نموده‌اند.

۶- قدرت‌دانی

نگارنده‌گان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر خود را از معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی به‌دلیل حمایت‌های صورت گرفته از انجام پژوهش حاضر به‌جای آورند.

References

1. Ahmadi, Seyyed Abbas (2011), Iran, Islamic Revolution and Shia Geopolitics, Tehran, Andishehsazan-e Noor Institute for Studies. [in Persian].
2. Akhavan kazemi, Massoud and Azizi, Parvana (2011), Kurdistan Iraq, Israel's geopolitical heartland, Strategy Quarterly, Vol. 20, No. 60[in Persian].
3. Asadi, Ali Akbar. (2012). Process The Nation-State-Building in New Iraq, Tehran: Andishe Sazan-e-Noor Institute[in Persian].
4. Azghandi, Ali Reza and Rovshandel, Jalil (2009), Military Issues and Contemporary Strategic, Tehran: Samt Publications[in Persian].
5. Beguin Hubert & François Jacques (1979), An Axiomaic Approach to Geographical Space. Geographical Analysis. Volume BlackSell, M.(2006), Political Geography, London: Rutledge.
6. Brancati, Down (2004), Can federalism Stabilize Iraq? The Washington quarterly, Vol. 27, No. 2.
7. Chukhachy Zade Moqaddam, Mohammad Baqer, Ali Nejad, Mehdi, Amini, Davood (2013), Iraq's ethno-religious Geopolitical and its impact on the security of the Islamic Republic of Iran, Geography (Iranian Geographical Association Journal), New series, Vol. 11, No. 37[in Persian].
8. Darvishy, Farhad and Partov, Fathollah (08.04.2011), New Iraq and political-security Strategy of Iran, [in Persian], Imam Khomeini International University:http://pishkesvat.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=172:1390-01-19-13-35-08&catid=1:report[in Persian].
9. Dikshit, Ramesh Dutta (1995), Political Geography. New Dehli: Tata McGraw Hill Publishing Company limited.
10. Dodge, Toby (2005), Iraq's Future: the Afterlathe of regime change, New york, Routledge.
11. Ezzati, Ezzatollah (2005), Analysis of the Geopolitics of Iran and Iraq, 2th Edition, Tehran: Ministry Of Foreign Affairs, publishing & Printing Institute[in Persian].
12. Ezzati, Ezatollah and Nanevaa, Sohailaa (2011), Iran's foreign policy and its challenges by changing the political structure in Iraq, Encyclopedia, No. 80 (Political Science) [in Persian].
13. Ghadiri, Hojjatollah and Bigdelu, Mehdi (2013), Geopolitical and Geostrategic, Tehran: Sayad Shirazi Research and Training Center Publications[in Persian].
14. Ghasemi, Mohammad Ali (2010), Actors Influencing Future Iraq: Interests and Scenarios, Strategic Studies Quarterly, Vol. 13, the first number, No. 47[in Persian].
15. Ghavam, Seyyed Abdol-Ali (1991), Principles of foreign policy and International Politics, Tehran: Samt Publications[in Persian].
16. Hafeznia, Mohammad Reza (2006), Principles and Concepts of Geopolitics, [in Persian], Mashhad: Papoli publications[in Persian].
17. Hafeznia, Mohammad Reza and Kavianyrad, Morad (2014), Philosophy of

- Political Geography, Tehran: Research Institute of Strategic Studies[in Persian].
18. Hagh Panah, Jafar (2008), Kurds and foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Contemporary Abrar International Research Institute[in Persian].
 19. Hagh Panah, Jafar (2009), Broad Equilibrium: Analytical framework the role Ethnicity on Foreign Policy, Strategy Quarterly, Vol. 18, No. 53[in Persian].
 20. Hagh Panah, Jafar (2010), Broad Equilibrium: Model Analyze the role Ethnicity on Foreign Policy with Emphasis on Middle East, Policy Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Period. 40, No. 2[in Persian].
 21. Henderson, Simon (2007), "Saudi Arabia: the Nightmare of Iraq" in; David Pollock, Washington Institute, Policy Focus.
 22. Jafari Valdany, Asghar (2009), Challenges and Conflicts in the Middle East, Tehran: Research Institute of Strategic Studies[in Persian].
 23. Karimiyan, Kamel (2007), Kurds Interactions and Attitudes towards indoor and foreign Actors, Research Report, Tehran, Research Institute of Strategic Studies[in Persian].
 24. Kemp, Geoffrey and Harkavy, Robert, Translated by: Mehdi Hosseiny Matin. (2004). Strategic Geography of the Middle East, Tehran: Research Institute of Strategic Studies[in Persian].
 25. Lesser, Ian and others(2006), Sources of Conflict in the Greater Middle East Translated by Ali Reza Soltani, ", in US Security Strategy in the Middle East, Edited by: Davood Ghroyaqzandy, Tehran: Research Institute of Strategic Studies[in Persian].
 26. Malaek, Seyed Mohammad Hosein (2007), Iraq: The Leading Options, Strategic Reports, Foreign Policy Research Department, Middle East and Persian Gulf Studies Grup, Strategic Research Center of Expediency Discernment Council: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=44&semid=932> [in Persian].
 27. Mansoury, Mohsen, (2014), Salafism History in Iraq's with an emphasis on the Islamic State of Iraq and Sham, News Analytical station Esfahan Shargh, News ID: 26241.(2014/08/2) [in Persian].
 28. Maoz, Zeev, ed (2004), Building Regional Security in the Middle East: International,Regional and Domestic Influences. London:Frank Cass.
 29. Map Political Divisions and Ethnic Composition in Iraq: <http://www.oilempire.us/iraqoil.html>
 30. Mohammady, Hamid Reza, Khalidy, Hosein (2012), Geopolitical Kurdistan Iraq, Tehran: Entekhab Publications[in Persian].
 31. Nami, Mohammad Hassan and Mohammad Pour, Ali (2008), The Geography of the Iraq with The Emphasis on Geopolitical Issues, Tehran: Armed Forces Geographical Organization[in Persian].
 32. Rabiee, Hossein (2005), Oil of Iraq, Powers competition and Future Persian Gulf, Special Issue: Journal of Geopolitics, Tehran [in Persian].
 33. Rovshandel, Jalil (1995), National Security and the International System, Tehran: Samt Publications[in Persian].
 34. Simbar, Reza (2006), Geopolitics and Religion in the International System: Strategies and Developments, Geopolitics Quarterly, Vol. 2, No. 3,4[in Persian].
 35. Tajfar, Reza (2012), Military Geography of Neighboring Countries, Tehran:

- Epaulet University of Imam Ali Publications[in Persian].
36. Vaezi, Mahmoud (2008), Approach Indoor Iraq Groups to Iran and America, Publishing in Iraq after of Saddam and Regional Actors, Foreign Policy Research Department, Middle East and Persian Gulf Studies Grup, Strategic Research Center of Expediency Discernment Council, No. 12: <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=1464>[in Persian].
 37. World Energy Statistics [Oil and Gas Reserves Iraq by the end of 2014]. <http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/Energy-economics/statistical-review-2015/bp-statistical-review-of-world-energy-2015-full-report.pdf>
 38. Yeylaghy, Rahman (2011), America's invasion of Iraq and its impact on ethnic and religious divisions, Tehran: Fekrazin Publications[in Persian].
 39. Zovghi Barani, Kazm (2011), New Geopolitics of Iraq & its Impact on the security of Iran, Tehran: University of Imam Hussein, the Faculty and Institute of Payambar-e-Azam, Centre for Military Geography and Remote Sensing[in Persian].